

موضوع مقاله: بررسی تأثیر سبک زندگی اسلامی در جامعه امروز و تحول شخصیت افراد

نویسنده مسئول: منظر شکر بیگی، رشته الهیات و معارف، آموزش پرورش ناحیه ۳، کرمانشاه، ایران

## چکیده:

سبک زندگی یکی از مکانیسمهای مورد توجه افراد که در بکارگیری روشها و ارتباط با جامعه می تواند به گونه های مختلف ظهور پیدا کند که ما در این مقاله سعی می کنیم بهترین سبک زندگی که الگو و نماد زندگی مطلوب و متعادل در جامعه هست را در اینجا بررسی نماییم لذا با توجه به ارتباطات اجتماعی گسترده افراد و ظهور الگوهای جدید از اقصی نقاط دنیا و مبادلات فرهنگی و اجتماعی و سیطره مبادلات اقتصادی بر زندگی مردم تحولات بزرگی در آداب و رسوم و فرهنگ افراد در جامعه بر جای گذاشته است سبک زندگی موضوع مهمی است که با بسیاری از پدیده های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی است که اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ اما کاربردهای متفاوت دارد از این روشناخت و توصیف سبک زندگی در ابعاد گوناگون آن، مکانیسم تغییر آن و شناخت نهادها که در دگرگونی آن تأثیر گذار است و پیامدهای آن مسائلی هستند به طریق تجربی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این تحقیق توصیفی و تحلیلی می باشد که با استناد به مقالات و کتابهای مختلف مطالبی جمع آوری و ضمن مقایسه موضوعات و نظرات مختلف به تحلیل و بررسی آنها با توجه به وضعیت جامعه امروز پرداخته می شود و لذا ما پس از مطالعه منابع مختلف به این نتیجه می رسیم که سبک زندگی نشان دهنده میزان نفوذ یک نظام، فرهنگ و تمدن در متن جامعه است و تمام تمدنها و نظامهای فکری برای حفظ بقای خود تلاش می کنند تا یک سبک زندگی مشخصی به مردم ارائه دهند که ما در بدن مقاله به بحث و بررسی پیرامون این موضوع می پردازیم.

کلید واژه: سبک زندگی، زندگی اسلامی، جامعه، افراد، تبادل فرهنگی

## مقدمه

انسانها برای ادامه زندگی در بستر جامعه و اجتماعات و بر خورهای اجتماعی روز مره باید با انتخاب سبک زندگی جهت گسترش تبادل افکار و اندیشه تلاش نمایند و در این زمینه بهترین روش را در انتخاب انجام دهند. لذا سبک زندگی از مفاهیم مهم و حیاتی جهت تداوم ارتباطات اجتماعی رفتارهای انسان و تعیین شخصیت او است بنابراین وی در انتخاب رفتار و سبک زندگی مختار است، اما رها نیست در واقع تعریف و فهم از حقیقت انسان و جهان تعیین کننده سبک زندگی است؛ اگر تمام لحظات زندگی انسان، رفتارها و احساسات وی بر اساس آرمانها و اصول اسلام پایه ریزی شود سبک زندگی، اسلامی می شود. ، زیرا تا یک نظام به سبک زندگی تبدیل نشود آرمان هایش اجرا نخواهد شد و اگر جامعه ای سبک زندگی یک نظام را نپذیرد به این معنا است که مبانی فکری و ارزش های آن نظام را قبول ندارد. سبک زندگی اسلامی به معنای چشم پوشی از لذات و نعمات نیست بلکه در این روش زندگی رنگ خدایی می گیرد؛ انسان ها قادر به زندگی ساختگی نیستند و اگر اینگونه باشد زندگی آنها دوامی ندارد همانگونه که یک نقاش به صورت طبیعی نگاه خاصی به دنیای اطراف خود دارد و با ظرافت به زیبایی های طبیعت می نگرد و همچنین یک شاعر که برای شاعرانه زیستن هیچ تلاشی جز زیستن انجام نمی دهد بنابراین سبک زندگی نشان دهنده میزان حضور ارزش های جامعه در رفتارها است. سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که در دنیای امروز از آن زیاد استفاده می شود. با یک جستجوی ساده می توان نشان داد که این مفهوم تا چه حد عمومیت دارد و در چه زمینه گسترده ای از آن ستفاده می شود. همین گستردگی مفهومی و حوزه وسیع کاربری سبب شده است تا مضمون واقعی آن کماکان غیر دقیق و نامشخص باقی بماند. سبک زندگی همان بخش از زندگی است که عملاً تحقق می یابد. طیف کامل فعالیت هایی که افراد در زندگی روزمره انجام می دهند و حضایی نظیر داشتن الگو در رابطه آنها صدق می کند. می تواند سازنده سبک زندگی آنها در عرصه باشد به همین دلیل می توان از سبک زندگی در زمینه مصرف مادی، رفتار بهداشتی رانندگی، مصرف فرهنگی و یا رفتار درون منزل سخن گفت سبک زندگی موضوع مهمی است که با بسیاری از پدیده های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. از این روش ساخت و توصیف سبک زندگی در ابعاد گوناگون آن، مکانیسم تغییر آن و شناخت نهادها که در دگرگونی آن تاثیر گذار است

## مفهوم لغوی سبک زندگی

سبک در لغت به معنای طرز، روش، قاعده و شیوه است. سبک زندگی روش و نوع گذران فاصله تولد تا مرگ است که می‌تواند آگاهانه، یا به صورت تقلیدی و یا تلفیقی از هر دو باشد. سبک زندگی امروز به دلیل تبلیغات وسیع و گسترده- مثبت یا منفی- در طیف گسترده‌ای، اندیشه و تفکر انسان را در سطح جهان بر خود متمرکز کرده است.

## مفهوم اصطلاحی سبک زندگی

سبک زندگی یعنی انتخاب روش و شیوه صحیح برای زندگی که ضمن تامین خواسته‌های معنوی و مادی انسان، در نهایت زمینه‌های رضایت و خشنودی خداوند متعال را نیز فراهم آورد؛ و این مهم جز با انتخاب الگویی جامع و حامل فضایل و ارزش‌ها در زندگی تحقق نخواهد پذیرفت. این الگوی متعالی در تاریخ پر شکوه اسلام موجود است، الگویی که به راستی راهبر و راهگشا بوده و همواره انسان را به سوی معیارها و ساختارهای وجودی خویش فرا می‌خواند. تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. این امر خود مستلزم توجه جدی اندیشمندان مسلمان به موضوع سبک زندگی و راه‌های وقوع آن در فرد و اجتماع است. یکی از مسائل مهم برای رسیدن به این امر توجه به مبادی و مبانی سبک زندگی اسلامی است؛ زیرا سبک زندگی اسلامی تنها با تحقق این مبانی واقع شده و دوام پیدا خواهد کرد.

## انتخاب سبک زندگی اسلامی در جامعه

سبک زندگی یعنی انتخاب روش و شیوه صحیح برای زندگی که ضمن تامین خواسته‌های معنوی و مادی انسان، در نهایت زمینه‌های رضایت و خشنودی خداوند متعال را نیز فراهم آورد؛ و این مهم جز با انتخاب الگویی جامع و حامل فضایل و ارزش‌ها در زندگی تحقق نخواهد پذیرفت. این الگوی متعالی در تاریخ پر شکوه اسلام موجود است، الگویی که به راستی راهبر و راهگشا بوده و همواره انسان را به سوی معیارها و ساختارهای وجودی خویش فرا می‌خواند. تحقق سبک زندگی اسلامی یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. این امر خود مستلزم توجه جدی اندیشمندان مسلمان به موضوع سبک زندگی و راه‌های وقوع آن در فرد و اجتماع است. یکی از مسائل مهم برای رسیدن به این امر توجه به مبادی و مبانی سبک زندگی اسلامی است؛ زیرا سبک زندگی اسلامی تنها با تحقق این مبانی واقع شده و دوام پیدا خواهد کرد. تبیین روابط میان سبک زندگی اسلامی سبک زندگی موضوع مهمی است که با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. از این روش‌ناخت و توصیف سبک زندگی در ابعاد گوناگون آن، مکانیسم تغییر آن و شناخت نهادها که در دگرگونی آن تاثیر گذار است و پیامدهای آن مسائلی هستند به طریق تجربی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

## نقش سبک زندگی در جامعه

سبک زندگی از جمله مفاهیمی است که در دنیای امروز از آن زیاد استفاده می‌شود. با یک جستجوی ساده می‌توان نشان داد که این مفهوم تا چه حد عمومیت دارد و در چه زمینه گسترده‌ای از آن استفاده می‌شود. همین گستردگی مفهومی و حوزه وسیع کاربری سبب شده است تا مضمون واقعی آن کماکان غیر دقیق و نامشخص باقی بماند. سبک زندگی همان بخش از زندگی است که عملاً تحقق می‌یابد. طیف کامل فعالیت‌هایی که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند و حضایعی نظیر داشتن الگو در رابطه آن‌ها صدق می‌کند. می‌تواند سازنده سبک زندگی آن‌ها در عرصه باشد به همین دلیل می‌توان از سبک زندگی در زمینه مصرف مادی، رفتار بهداشتی رانندگی، مصرف فرهنگی و یا رفتار درون منزل سخن گفت سبک زندگی موضوع مهمی است که با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. از این شناخت و توصیف سبک زندگی در ابعاد گوناگون آن، مکانیسم تغییر آن و شناخت نهادها که در دگرگونی آن تاثیر گذار است

## نقش ارزشهای اسلامی در سبک زندگی

ارزش‌های امروزی باورهای شخصی و یا گروهی است که با تبلیغات در صدد القاء آن هستند؛ اما هدف از زندگی، اعتلای ارزش‌های والای آدمی و رسیدن به قرب الی‌الله است؛ طبق این تعریف زندگی ابزار و روشی خواهد بود که با آن فرد به بصیرت خواهد رسید، مسلم است که جامعه ما برای رسیدن به هدف متعالی انسانیت و الگوهای طراحی شده از طرف حضرت باری تعالی پایه‌ریزی شده است، جامعه‌ای که در انتظار امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) لحظه شماری می‌کند. اعتقاد به امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) آرمان شهری را در ذهن او ایجاد می‌کند که با سبک زندگی امروز او یکسره متفاوت است به همین دلیل برای رسیدن به آن جامعه ایده‌آل لازم است نوع نگاه به زندگی، نحوه زندگی، معیشت و... بازنگری شود و این بازنگری کافی نیست مگر با انجام «تغییر». تغییر مبتنی بر شناخت خود و پیرامون خود، بر اساس جهان‌بینی الهی و اعمال قدرت بر اصلاح کردن وضعیت موجود.

## نتایج انتخاب سبک زندگی اسلامی

### رسیدن به آرامش

پرداختن به تغییر سبک زندگی جهت رسیدن به آرامش در جهان امروزی - که ساخته شده به دست مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و مدگرایی است - ضروری به نظر می‌رسد. برای تحقق و تعجیل در ظهور حضرت قائم (علیه السلام) لازم است، نوع زندگی بر اساس خودشناسی و دریافت اعتقادات براساس جهان‌بینی متصل به وحی تغییر پیدا کرده تا بتوان بر اساس آن به غایت و هدف متعالی خویش دست پیدا کرد. در این رابطه پرسش‌های مطرح شده این خواهد بود؛ برای رسیدن به جامعه بستر ساز ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)

چه چیزی در اولویت قرار دارد؟ آیا بین حوادث زندگی و اعمال زندگی ارتباط برقرار است؟ اگر اینگونه است غیبت حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نحوه عملکرد و سلوک ما سرچشمه می گیرد.

طبق فرضیه موجود در این بحث، «تغییر» به معنای انقلاب و دگرگونی از حالت موجود برای رسیدن به حالت مطلوب است. از اصول ثابت قرآن کریم نیز این است که خدا نعمت را سلب، یا تبدیل به نعمت نمی کند، مگر آن که متنعمان از لحاظ اخلاق و خصوصیت های نفسانی خود را دگرگون سازند؛ «ذلک بان الله لم یکن مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ (انفال/سوره ۸، آیه ۵۳). این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد»، جز آن که آن ها خودشان را تغییر دهند، در نتیجه تغییر در اوضاع زندگی بر اساس آیات متوجه پیوند عمل انسان با حوادث در جهان است.

### بررسی واژه سبک زندگی

سبک زندگی از مسائل مهم مطرح شده در جوامع امروزی است. برای بیان معنای سبک زندگی لازم است این واژه مرکب، جدای از هم بررسی گردد، تا بتوان بدرستی در مورد آن اظهار نظر کرد. سبک در لغت به معنای طور، عمل، طرز، روش، قاعده و شیوه است. زندگی به لحاظ فیزیولوژی حالتی است که موجودات زنده را از اشیاء غیر زنده یا ارگانیسم های مرده متمایز می کند که توسط رشد از طریق سوخت و ساز و تولیدمثل آشکار می شود. این معنا، ساده ترین و ابتدایی ترین تعبیر زندگی است؛ اما می توان گفت: زندگی، انتخاب و نوع عمل در فاصله میان تولد تا مرگ است و براساس تعلیم قرآن، حیات حقیقی در نتیجه ایمان به خدا است؛

( نحل سوره ۱۶، آیه ۹۷. ) در نتیجه نحوه ی سلوک و زندگی تعیین کننده وضعیت دنیای پس از این دنیا خواهد بود. سبک زندگی (Life Style) به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه یا جامعه است. که نخستین بار توسط آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷) روان شناس اتریشی استفاده شد و امروز به دلیل تبلیغات وسیع و گسترده تفکر انسان را بر خود متمرکز کرده است. زیرا سبک های زندگی مجموعه ای از طرز تلقی ها، ارزش ها، شیوه های رفتار، حالت ها و سلیقه ها در هر چیزی را در بر می گیرد. که همه اینها می تواند از موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی ها و حتی تعامل انسان با خانه و خانواده و نوع نگاه و تفکر او به زندگی سرچشمه بگیرد. همچنین می تواند تلقی و تربیت فرد از نحوه ی زندگی او در دوران کودکی یا بزرگسالی را در بر گرفته باشد. لازم است گفته شود سبک زندگی فرد، می تواند اجزای رفتار شخصی او باشد یا نباشد؛ زیرا بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی شان را آزادانه انتخاب کنند. (حسینی فایق، سبک زندگی، هویت و ارزش، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۴ و ۱۵ پاییز و زمستان، ۱۳۸۷).

### ۳ - مطلوبیت سبک زندگی

اما این سوال همواره مطرح است که آیا سبک و مدلی که اکنون زندگی می‌کنیم، مطلوب است؟ سبک زندگی مطلوب بر چه فرضیه‌هایی استوار است؟ آیا سبک زندگی مترادف فرهنگ زندگی است؟ در واقع، سبک زندگی بر چه اساس و مبنایی پی‌ریزی می‌شود؟

آنچه که در سبک زندگی مهم تلقی می‌شود، نحوه و نگاه به زندگی است که از طرف عده‌ای با استفاده از تبلیغات وسیع طراحی می‌شود و هر روز بر طبق آن شیوه‌ای جدید جلوه‌گری می‌کند. از آن‌جا که در بین ارزش‌های مطرح‌شده، باورهای شخصی و گروهی است که با سروصدا و تبلیغات در صدد القاء آن هستند؛ این پرسش مطرح می‌شود که آیا دریافت اینگونه القاءات و تقلیدکردن درست است؟ اگر بنابر اشاعه ارزش‌های فرد یا گروه‌های خاص بیرون از فرهنگ و جامعه ما است، پس ارزش‌های ما و نوع تلقی من به‌عنوان یک انسان در کجا مطرح می‌شود؟

### ۴ - سطوح زندگی

لازم است گفته شود این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش‌ها و مطالب نیست، بلکه این سوالات حکایت از واقع می‌نماید. به عبارتی دیگر، سمت‌وسوی زندگی امروز ما در جهت اهداف شرکت‌های تجاری است که در حالت خوش‌بینانه در صدد فروش اجناس خود هستند، امروز نوع رنگ و لباس ما و حتی نحوه‌ی خوردن و ساعت‌های فراغت ما از بیرون و از بلندگوهای تبلیغاتی هدایت و انتخاب می‌شود. جالب است بدانیم روند رو به جلوی این نوع زندگی در صدد فراموش کردن ارزش‌های دینی و اخلاقی در سطح گسترده است. از این‌رو، در مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی می‌توان به سه سطح مختلف و مرتبط با هم اشاره کرد که می‌تواند با موضوع سبک زندگی در ارتباط باشد. (حسینی فایق، سبک زندگی، هویت و ارزش، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۴ و ۱۵ پاییز و زمستان، ۱۳۸۷).

#### . سطح ساختاری

هر فرد می‌تواند در سطح ساختاری تفاوت‌ها و تشابهات میان کشورها، جوامع و فرهنگ‌ها را و همچنین تفاوت‌هایی که در طول زمان و در جوامع مختلف روی داده است، را مورد آزمون و مطالعه قرار دهد. این تفاوت‌ها میان ساختار فرهنگ‌ها و جوامع، در قالب اشکال زندگی (سبک‌های زندگی) دسته‌بندی می‌شوند و می‌توانند بازگوکننده اشکال مختلف جامعه و فرهنگ رایج آن باشند.

#### سطح موقعیتی

این سطح به شباهت‌ها و تفاوت‌های جوانب مختلف زندگی، در میان طبقه‌بندی‌های وسیع‌تر می‌پردازد. مانند: طبقات و گروه‌هایی که در ساختار جامعه، موقعیت‌های متنوع و مختلفی دارند. این دسته‌بندی که از

طریق موقعیت فرد در ساختار اجتماعی خاص تعریف می‌شود، سبک‌های زندگی نامیده می‌شوند. برای نمونه سبک زندگی فردی از طبقه مرفه یک جامعه، با سبک زندگی کارگران همان جامعه تفاوت دارد.

. سطح فردی

هر فرد سعی دارد تا تفاوت‌ها و تشابهات را میان روش‌های مختلفی که افراد از طریق آن‌ها با واقعیات روبرو می‌شوند و زندگی خود را اداره می‌کنند، درک کند و بداند افراد چگونه شخصیت و هویت خود را رشد می‌دهند و با دیگر افراد ارتباط برقرار می‌کنند. ذات و هویت فرد همواره در حال تغییر و تحول است. به همین دلیل سبک زندگی افراد نیز همواره ثابت و یکنواخت نمی‌ماند.

## وجه اشتراک

در این سه مورد آنچه که به صورت مشترک در همه موارد دیده می‌شود، انتخاب با نگاه دیگران است که هر کدام می‌تواند دو نوع از سبک‌شناسی را شامل شود:

۱. ایستا (static): سبک هر طبقه اجتماعی، جدا از تغییرات دائمی خود و مداخلات سبک‌های طبقات دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد؛

۲. پویا (dynamic): جریان سبک‌ها و طبقات اجتماعی از لحاظ تحولات داخلی خود و مناسبات متقابلی بررسی می‌شود که با یکدیگر و نیز با سایر شئون زندگی عملی و نظری جامعه دارند.

اما هر کدام از این دو صورت – پویا و ایستا – باید در آن نظر و ارزش‌های شخص دخیل باشد.

## ۵ – هدف از زندگی

پس از این توضیح باید اضافه شود که تمایل نویسنده بر این است سبک زندگی را بر اساس روش و الگوهای دینی مطرح شده در قرآن و سنت پی‌گیری کند، به این معنا که هدف زندگی اعتلای ارزش‌های والای آدمی و رسیدن به قرب الی‌الله است؛ طبق این تعریف زندگی ابزار و روشی است که با آن فرد به بصیرت خواهد رسید.

لازم است گفته شود «رفتار اجتماعی و سبک زندگی تابع تفسیر ما از زندگی است، هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به‌طور طبیعی متناسب با خودش، سبک زندگی مشخصی را به ما پیشنهاد می‌دهد. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن «ایمان» است. هدفی را باید ترسیم کنیم – هدف زندگی را – و به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ حال آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم باشد، فاشیسم و یا توحید ناب باشد؛ سرانجام به یک چیزی باید



ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد». (بیانات رهبری، دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/، سایت رهبری).

طبیعی است که نگاه بر مبنای انسان‌شناسی توحیدی دربردارنده‌ی هدف و غایتی است که دنیا را مزرعه آخرت می‌داند و تصویر درستی از خود و متناسب با سبک زندگی خویش طراحی می‌کند. مسلم است که جامعه ما برای رسیدن به هدف متعالی انسانیت و الگوهای طراحی شده از طرف حضرت باری تعالی پایه‌ریزی شده، جامعه‌ای که در انتظار امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) لحظه شماری می‌کند. اعتقاد به امام مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) آرمان شهری را در ذهن ایجاد می‌کند که با سبک زندگی امروز او یکسره متفاوت است، به همین دلیل برای رسیدن به آن جامعه‌ی ایده‌آل لازم است نوع نگاه به زندگی، نحوه زندگی، معیشت و... بازنگری شود و این بازنگری کافی نیست مگر با انجام «تغییر».

## ۶ - ماهیت تغییر

براستی تغییر به چه معناست؟ و از کجا شروع می‌شود؟ در جهت تغییر سبک زندگی دو مسئله کلیدی وجود دارد: اول شناخت؛ دوم اصلاح؛ البته برای اجرای هر دوی اینها شهامت عنصر ضروری به نظر می‌رسد.

### ۶.۱ - شناخت

شناخت بر دو محور خودشناسی بر اساس «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۸۸) و شناخت اصل اعتقادات بر اساس مکتب الهی اسلام است؛ در سایه این شناخت فرد متوجه می‌شود که هستی عبث و بیهوده آفریده نشده، «أفحسبتم أنما خلقناکم عبثاً؛ ولی آیا گمان کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم»، و بر این اساس، به غایت و هدف متعالی خویش علم پیدا می‌کند. (مومنون/سوره ۲۳، آیه ۱۱۵. )

### ۶.۲ - اصلاح

در این‌صورت مبنای زندگی فرد طبق فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) تغییر می‌کند و به آرامش می‌رسد؛ زیرا امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به این سوال که زندگی خود را بر چه بنا کردید؟ فرمود: بر چهار اصل:



دانستم رزق مرا دیگری نمی‌خورد پس آرام شدم؛ دانستم که خدا مرا می‌بیند پس حیا کردم؛ دانستم که کار مرا دیگری انجام نمی‌دهد پس تلاش کردم، دانستم که پایان کارم مرگ است پس مهیا شدم. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۸، ۱۴۰۴). در این صورت اگر انسان خویش را تغییر داد و به حق عمل کرد، به نعمت‌های الهی و حیات آرمانی دست می‌یابد.

فرد با توجه به شناختی که در مرحله اول به دست آورده، متوجه نقایص خود می‌شود و فاصله خود را با استانداردهای موجود می‌سنجد. بنابراین درصدد گذر از وضعیت کنونی خود خواهد شد و تصمیم برگذر از حالت پیش آمده در این مقاله «تغییر» نامیده می‌شود. تغییر به معنای انقلاب و دگرگونی از حالت موجود برای رسیدن به حالت مطلوب است. این حالت مطلوب را فرد بر اساس مرحله اول شناخت بدست آورده است؛ لازم است شهامت اجرای این تغییر را در خود به‌وجود آورد و نشانه شهامت قدرت بر عمل است.

### ۶.۳ - شهامت اجرای تغییر

شهامت اجرای تغییر در تمام مراحل زندگی از نحوه تفکر، سخن گفتن، سلوک با مردم، حتی ملاک و معیار خرید روزانه بر اساس جهان‌بینی الهی خواهد بود. شهامت شکستن سنت‌های خرافی و باطل‌زدایی و حق‌گرایی؛ زیرا افراد به اندازه سهم خاص نظری و عملی خویش تصمیم می‌گیرند. برخی از آن‌ها در همین حد قدرت دارند که نکات حق را از جامعه فرا گیرند و نکات باطل را کنار نهند و کمبودهای آن را برای خود، به تنهایی، ترمیم کنند و گلیم خویش را از سیاهی و تباهی جامعه درآورند. اما برخی دیگر قدرتی فراتر از این دارند و می‌توانند در محدوده‌های متفاوت، به اصلاح دیگران بپردازند. در این میان، افرادی استثنایی نیز هستند که به اصلاح همه جامعه همت می‌گذارند و در اندیشه احیای حق و میراندن باطل هستند و در این راه، از هیچ ایثار و نثاری دریغ ندارند. آنان از هرگونه جهاد و اجتهاد بهره می‌برند تا امتی حق‌گرا و باطل‌زدا بسازند. در مورد این افراد می‌توان گفت که اصالت از آن‌ها است و نه جامعه؛ زیرا قدرت ایشان بیش از جامعه است. به بیان دیگر، در نظام فاعلی، اصالت از آن قوی است. اگر توان جامعه بیش از فرد باشد، اثرگذاری و اصالت از او است؛ و اگر فرد قدرتمندتر از جامعه باشد، او است که بر جامعه تأثیر می‌گذارد. (سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۴۱۵)

فردی که بر اثر درد متوجه فساد در دندان خود می‌شود، باید به پزشک مراجعه کند. روند معالجه او به همراه اراده بر اصلاح، همچنین شهامت تحمل درد اصلاح دندان فاسد و پرداخت هزینه درمان، همه لازمه تغییر است که باید در جهت سلامت دهان و دندان اجرا شود. فردی که تاکنون به بیراهه رفته است با دعا و آرزوی دیدار محبوب، هرگز به وصال نخواهد رسید؛ مگر این‌که اهتمام به تغییر را با تمام وجود، رکن اصلی زندگی خویش تا رسیدن به حد مطلوب قرار دهد.

#### ۶.۴ - جهش نفسانی و تبدیل درونی

باید دانست محور تمام تحول‌ها در این آیات، همان جهش نفسانی و تبدیل درونی است. اگر نفس انسان رو به صلاح گراید، در سایه لطف خداوندی توفیق رهیدن از نقص و رسیدن به کمال نصیب او می‌شود. زیرا هرگز خداوند سبحان در ابتدا کسی را گمراه نمی‌کند برخلاف هدایت که اساس کار خداوند رحمان بر آن است و ناقص را کامل می‌کند و کامل را به مراحل نهایی کمال می‌سور می‌رساند. پس، افزون بر هدایت تکوینی و تشریعی همگانی، هدایت سومی نیز هست که مخصوص پویندگان راه خدا و راهیان طریق اهتدای او است؛ یعنی اگر کسی پس از تبیین حق و ظهور باطل، راه پیامبران الهی را پیمود، در تداوم و تکمیل این اهتدا، فیض خاص تکوین الهی دستگیرش می‌شود و راه را برای او روشن‌تر می‌کند و امکانات طی آن مسیر را فراهم‌تر می‌کند و هرگونه موانع تکامل را از سر راهش برمی‌دارد؛ «فسنیسره لیسری؛ ( لیل/سوره ۹۲، آیه ۱۰ ) ما به زودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم»، و «ویزید الله الذین اهتدوا هدی؛ ( مریم/سوره ۱۹، آیه ۷۶ ) اما کسانی که در راه هدایت گام نهادند خداوند بر هدایتشان میافزاید»، و «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام؛ (مائده/سوره ۵، آیه ۱۶) خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت هدایت می‌کند»، و «ویهدی إلیه من أناب؛ ( رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۷ ) و هر کس را که به سوی او باز گردد هدایت می‌کند»، کسی که چند نوبت به سوی خدا بازگشت و تناوب در رجوع به سمت خدا برایش ملکه شد و حالت خاصی به نام انابه پیدا کرد یا بر اثر قطع همه علاقه‌ها و انقطاع صرف به سوی خدا جزو منیبان شد، از فیض تکوینی ویژه‌ای برخوردار می‌شود که دیگران به آن دست نمی‌یابند «الله یجتبی إلیه من یشاء و یهدی إلیه من ینیب؛ ( شوری/سوره ۴۲، آیه ۱۳ ) و کسی را که به سوی او باز گردد هدایت می‌کند». (جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۴)

#### ۶.۵ - تبدیل نعمت به نقمت

از اصول ثابت قرآن کریم این است که خدا نعمت را سلب، یا تبدیل به نقمت نمی‌کند، مگر آن که متنعمان از لحاظ اخلاق و خصوصیت‌های نفسانی خود را دگرگون کنند؛ «ذلک بان الله لم یکن مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛ (انفال/سوره ۸، آیه ۵۳) این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد»، مفاد این آیه مبین ضابطه کلی و سنت مستمر الهی است که آنچه از جانب خدا است، نعمت و رحمت است؛ «وما بکم من نعمه فمن الله؛ (نحل/سوره ۱۶، آیه ۵۳).

آنچه از نعمت‌ها دارید همه از ناحیه خداست»، و انسان برخوردار از نعمت، دارای اختیار است و می‌تواند با حسن استفاده از نعمت، افزون بر تداوم آن از نعمت خاص دیگر نیز برای پاداش بهره‌مند شود و هم می‌تواند

با سوء اختیار خود، نعمت را تبدیل به نعمت کند و افزون بر گرفتار رنج و زحمت شدن، مانع فیض خاص الهی شود؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۱). خدا وضع و حال هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال و روحیه خود را تغییر دهند؛ یعنی همان‌گونه که انسان می‌تواند با سوء اختیار خود نعمت را نعمت کند، می‌تواند با حسن اختیار خویش قبیح را حسن کند و چون حسن در هر حال نعمت است و نعمت خیر است و خیر مساوق با وجود است، حسنات هم «من عند الله» است و هم «من الله»، ولی قبايح و سيئات تنها از جنبه وجودی آن‌که خیر و نعمت است «من عند الله» است، اما از جنبه قبیح و سیئه بودن که شر است «من الله» نیست و به خدا نسبت ندارد، بلکه منسوب به انسان است و منسوب نبودن شرور به خدا با توحید افعالی منافات ندارد؛ چون جهات شر و قبح، فقدان و نقص و عیب است و خدای سبحان منزله از عیب است. (جوادی‌آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، ج ۱، ص ۱۵۴)،

درخور تأمل است که در این دو آیه سخن از گرفتن نعمت نیست، بلکه بحث تغییر و تبدیل نعمت است. برای نمونه، علم که مایه جمال و کمال فرد است؛ زمانی همان علم، سبب ریختن آبروی او است، بدین‌صورت که عمل نکردن به آن، زمینه فهم و برداشت‌های نادرست را فراهم می‌کند و به گونه‌ای او را رسوا می‌کند که هیچ جاهلی آنچنان رسوا نشده باشد. (جوادی‌آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، ج ۱، ص ۱۸۸)،

۶۶ - روایت امام صادق

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: پدرم می‌فرمود، قضای حتمی خداوند به این تعلق گرفته که هرگاه نعمتی به بندگان بخشد آن را سلب نکند، مگر این‌که آنان گناهی را پدید آورند که مستوجب پاداش بد گردند (عروسی حویزی، علی‌بن‌جمعه، نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۸۸) نعمت وجود حضرت حجت (علیه‌السلام) همان نعمتی است که خداوند بهره‌مندی از او را نصیب بندگان خود فرموده است و طولانی شدن زمان غیبت او، بر اثر همان نوع زندگی است که انتخاب کرده است. از اصول ثابت قرآن‌کریم این است که خدا نعمت «حس و لمس وجود حجت‌الله علیه‌السلام» را سلب، یا تبدیل به نعمت نمی‌کند، مگر آن‌که متنعمان از لحاظ اخلاق و خصوصیت‌های نفسانی خود را دگرگون سازند؛ این کیفر دوری از زندگی مهدوی، بدان سبب است که خدا نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، جز این‌که آنان هرچه را در دل دارند تغییر دهند. ضابطه کلی و سنت مستمر الهی است که آنچه از جانب خدا است، نعمت و رحمت است؛ انسان برخوردار از نعمت، دارای اختیار است و می‌تواند با حسن استفاده از نعمت، افزون بر تداوم آن از نعمت خاص دیگر نیز به عنوان پاداش بهره‌مند گردد و می‌تواند با سوء اختیار خود، نعمت را تبدیل به نعمت کند و افزون بر گرفتار رنج و زحمت شدن، مانع فیض خاص الهی شود؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ زیرا خدا وضع و حال ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال و روحیه خود را تغییر دهند. (جوادی‌آملی، عبدالله، توحید در قرآن، ج ۱، ص ۴۰۹)

روشن است که اعتقاد صرف به این عناصر و اصول کارساز نیست، بلکه باید جامه عمل بپوشند؛ زیرا سنت الهی در نظام هستی این است که تا انسان خویشتن خود را متحول نکند، زندگی فردی و اجتماعی وی تغییر نمی‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۳، آیه ۱۱). خدا وضع و حال هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال و روحیه خود را تغییر دهند.

#### ۶.۷ - نتیجه تغییر

نسبت اعمال انسان با حوادث زندگی او - اعم از نیک و بد - که پیش می‌آید، اگر خوب تبیین و فهم شود انگیزه تغییر را به سمت خوبی و نیکی برای فرد فراهم می‌کند. طوری که روند زندگی او توسط انتخابش به سمت وسویی خواهد رفت که چون نیک می‌خواهد، باید نیک بیاندیشد و نیک عمل کند.

#### ۷ - پیوند اعمال با جهان

در اینجا برای نمونه به چند دسته آیات مربوط به پیوند عمل انسان با جهان اشاره می‌شود:

##### ۷.۱ - تنبیه و اعلان خطر

آیاتی است که رابطه مستقیم بین کردار انسان و پدیده‌های جهان را بیان می‌کند و ناظر به خوب و بد آن نیست؛ اگرچه برخی از آن‌ها ناگزیر به تنبیه و اعلان خطر اشاره دارد؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» خداوند حال هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد تا زمانی که خود آن گروه حالشان را تغییر دهند.

در آیه دیگر نعمت‌ها را گوشزد فرموده و اعلام داشته است: اگر حق آن‌ها را پاس ندارند و نافرمانی کنند چه بسا مبدل به عذاب یا سلب نعمت گردد: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ حکم ازلی و ثابت خدا این است که هرگاه نعمتی به قومی داد آن را تغییر ندهد، تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند و خدا شنوا و دانا است.

امام سجاد (علیه‌السلام) گناهای که سبب تغییر نعمت می‌شود را چنین برشمرده است: جور و ستم بر مردم، عادت خیر را از دست دادن و از بین بردن، خوبی را برای خود خواستن و برگزیدن، کفران نعمت و ترک شکر کردن. (عروسی حویزی، علی بن جمعه، نورالثقلین، ج ۲، ص ۴۸)

##### ۷.۲ - نتایج دل‌پذیر

آیاتی است که درباره‌ی پیوند عمل انسان با پدیده‌های گوارا و دل‌پذیر است؛ مانند: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/سوره ۷۲، آیه ۱۶). اگر مردم بر راه مستقیم بودند ما آنان را از آب فراوان برخوردار می‌ساختیم. اگر به تأویل این آیه پرداخته شود اینگونه خواهد بود که وجود مردم در راه مستقیم باعث ایجاد فرج و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) خواهد شد.

«یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَل لَّکُمْ فِرْقَانًا وَّ یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَّ یَغْفِرْ لَکُمْ وَّ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ؛ (انفال/سوره ۸، آیه ۲۹). ای اهل ایمان اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید خداوند به شما فرقان و نیروی تشخیص حق از باطل می‌بخشد و گناهان شما را بپوشاند و شما را بیمارزد که خداوند دارای فضل و رحمت بی‌انتها است». تذکر این نکته لازم است که بین تقوا، بینش و ارزش‌های درونی و برونی همواره پیوند عمیقی برقرار است. «و لو أنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا و اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ و الْأَرْضِ؛ (اعراف/سوره ۷، آیه ۹۶) چنانچه مردم شهرها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشودیم». (جوادی‌آملی، عبدالله، معاد در قرآن، ج ۱، ص ۶۸)

### ۷.۳ - نتایج ناپسند

توجه به آیاتی که درباره پیوند کردار انسان با پدیده‌ها، نتایج شوم و ناپسند دلالت می‌کند؛ مانند: «قُلْ لِلَّذِینَ کَفَرُوا إِن ینْتَهُوا یَغْفِرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ و إِن یرْجِعُوا فَعِدَّةٌ لَّهُمْ فِی سُلْطَانٍ مُّبِینٍ؛ (انفال/سوره ۸، آیه ۳۸). ای پیامبر به کافران بگو اگر از کردار و اندیشه‌های کفرآمیز خود دست کشیده به راه ایمان باز آیند هرچه از پیش کرده‌اند بخشیده می‌شود و اگر به همان اعمال تبه‌کارانه بازگردند به سرنوشت شوم و ناپسندی که به عنوان «سنت» بر اقوام پیشین جاری بوده است گرفتار خواهند شد».

«ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَّا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا کَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَّ جَعَلْنَاهُمْ أَحَادِیثَ فَبَعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا یُؤْمِنُونَ؛ (مومنون/سوره ۲۳، آیه ۴۴). ما پیامبرانی را پیاپی برای هدایت خلق فرستادیم و هر قومی که رسولی برایشان آمد آن رسول را تکذیب و انکار کردند. ما هم از پی یکدیگر همه را هلاک کردیم و آنان را به‌صورت تاریخ درآوردیم که هیچ اثری از آن‌ها نیست مگر در حدّ حدیث و سخن و نیز داستان‌های آن اقوام را عبرت دیگران ساختیم. قوم بی‌ایمان از رحمت خدا دور باد».

«عَسَى رَبَّکُمْ أَن یرْحَمَکُمْ و إِن عَدْتُمْ عَدَا وَّ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْکَافِرِینَ حَصِیرًا؛ (اسراء/سوره ۱۷، آیه ۸). شاید پروردگار شما را رحمت کند و چنانچه دیگر بار به تباهی باز گردید ما نیز باز می‌گردیم و آتش جهنم را حاضر قرار داده و بدانید شما در محاصره آتش خواهید بود».

## ۸ - نتیجه گیری

سبک زندگی به به باور ها، طرز تلقی و سلیقه ها و حالات رفتاری فرد را از جمله سلیقه ها و تمایلات رفتاری او را شامل می شود که می تواند شخصیت و خطی مشی او را در زندگی ترسیم نماید لذا در انتخاب سبک زندگی انسانها آزادانه و اختیاری عمل می نمایند به همین خاطر در این راستا در صورتی که بر مبنای چهار چوب الهی و توحیدی نباشد در سبک زندگی او خلل وارد می کند و از سبک زندگی اسلامی خارج می شود برای اینکه ما بتوانیم در این زمینه بر مبنای آموزه ها و سلیق معرفتی و رسوم اسلامی در سبک خود ثابت قدم باشیم باید در این زمینه از الگوهای خاص خودش بیشتر پیروی نماییم تا آرامش را در زندگیمان حکم فرما کنیم سبک زندگی، نحوه و نگاه به زندگی است که در حال حاضر از طرف عده ای با استفاده از تبلیغات وسیع طراحی می شود و هر روز به شیوه های جدید جلوه گری می کند و باعث از بین رفتن نوع تلقی درست فرد از زندگی خواهد شد. روند رو به جلوی این نوع زندگی در صدد فراموش کردن ارزش های دینی و اخلاقی در سطح گسترده را موجب می شود که با باورهای دینی و بومی ما صدمه در تضاد است. طبیعی است که نگاه بر مبنای انسان شناسی توحیدی در بردارنده هدف و غایتی است که دنیا را مزرعه آخرت می داند و تصویر درستی از سبک زندگی خویش را طراحی می کند و جامعه ای را ترسیم خواهد کرد که در انتظار امام مهدی (عج) لحظه شماری می کند. برای رسیدن به جامعه ایده آل لازم است نوع نگاه به زندگی، نحوه زندگی، معیشت و... بازنگری شود؛ این بازنگری منجر به «تغییر» خواهد شد. تغییر، در دو مسئله کلیدی، شناخت بر اساس «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و اصلاح روند زندگی که برای اجرای هر دوی اینها داشتن شهامت ضروری به نظر می رسد. «تغییر» به معنای انقلاب و دگرگونی از حالت فرد برای رسیدن به حالت مطلوب. این حالت مطلوب را فرد بر اساس مرحله اول شناخت خویش به دست آورده است. شهامت اجرای تغییر در تمام مراحل زندگی از نحوه تفکر، سخن گفتن، سلوک با مردم و حتی ملاک و معیار خرید روزانه بر اساس جهان بینی الهی در فرد صورت خواهد گرفت. محور تمام تحول ها، جهش نفسانی و تبدیل درونی نفس انسان است که رو به صلاح می گراید و در سایه لطف خداوند توفیق رهیدن از نقص و رسیدن به کمال نصیب او می شود

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعة.
۳. دهخدا علی اکبر، لغت‌نامه.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۵. جوادی آملی عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۹.
۶. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، علی عباسیان، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۵.
۷. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، عباس رحیمیان، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۸.
۸. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۳.
۹. جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن، قم، موسسه اسراء، ۱۳۸۴.
۱۰. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نورالثقلین، سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۰، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۱۲. حسینی فایق، سبک زندگی، هویت و ارزش، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۱۴ و ۱۵ پاییز و زمستان، ۱۳۸۷.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳ برگرفته از سایت رهبری.